



دانشکده ادبیات، زبان ها و تاریخ

پایان نامه

جهت اخذ درجه کارشناسی ارشد

رشته زبان و ادبیات فارسی

عنوان

شکوا در سه دفتر اول مثنوی

استاد راهنما

دکتر مهین پناهی

استاد مشاور

دکتر محبوبه مباشری

دانشجو

سهیلا نوحی

شهریور ۱۳۸۸

چکیده

شکوا از انواع ادبی است که به جهت احتوا بر احساسات و عواطف فردی از فروع ادب غنایی محسوب می شود. در طول تاریخ ادب فارسی، شاعران و نویسندگان بی شماری به دلایل مختلف از جمله تخلیه ی روحی، جلب توجه و ترحم دیگران و تعلیم و تربیت و سازندگی در آثار خود از این نوع ادبی بهره جسته اند.

جلال الدین محمد بلخی یکی از شاعران و عارفان بزرگ قرن هفتم هجری که مهمترین اثر منظوم او مثنوی معنوی است. مولوی در این اثر، مسائل مهم عرفانی و دینی و اخلاقی را مطرح کرده است. از آنجا که مثنوی با شکایت آغاز می شود، این سوالها پیش می آید که شکوا در مثنوی چه گستره ای دارد؟ مولوی از چه چیزهایی شکوا می کند؟ در راستای پاسخ گویی به این پرسش ها در این پایان نامه به تحلیل و بررسی شکوا در سه دفتر اول مثنوی پرداخته شده و جایگاه شکوهای مولوی در این اثر تبیین شده است. در پژوهش حاضر که به شیوه ی کتابخانه ای انجام گرفته ابتدا شعرهایی که مضمون شکایت را در برمی گیرند استخراج و سپس بر اساس شکوا کننده ها طبقه بندی شده است. در این پایان نامه، در آغاز نگاهی گذرا به شکوا در ادب فارسی شده و پس از آن شکوهای مولوی و دیگران بررسی و طبق فهرست الفبایی تدوین شده است. در پایان نگارنده با مطالعه و دسته بندی این شکواها به این نتیجه رسیده که مولوی به عنوان راهبر راه طریقت، در مثنوی از هر آنچه که اسباب فریب و گمراهی سالکان را فراهم کرده و مانع سلوک آنها شده گله می کند. بنابراین شکواها و گلایه های او همه در جهت تعلیم و تربیت سالکان است.

کلید واژه: شکوا، گلایه، مولوی، مثنوی

فهرست مطالب

مقدمه..... ۸

فصل اول - طرح نامه ی پژوهش

- ۱۲..... - مسأله ی پژوهش
- ۱۲..... - پرسشهای پژوهش
- ۱۳..... - اهداف پژوهش
- ۱۳..... - فرضیات پژوهش
- ۱۳..... - پیشینه ی پژوهش
- ۱۵..... - روش شناسی پژوهش

فصل دوم - مفاهیم و کلیات

- ۱۷..... - تعریف شکوا و نوع ادبی شکوا
- ۱۸..... - بررسی شکوا از آغاز ادب فارسی تا کنون
- ۱۹..... - قرن چهارم و اوایل قرن پنجم
- ۱۹..... - شکوا در شعر قرن چهارم و اوایل قرن پنجم
- ۲۲..... - شکوا در نثر قرن چهارم و اوایل قرن پنجم
- ۲۳..... - نیمه ی دوم قرن پنجم و قرن ششم
- ۲۳..... - شکوا در شعر نیمه ی دوم قرن پنجم و قرن ششم
- ۳۳..... - شکوا در نثر نیمه ی دوم قرن پنجم و قرن ششم
- ۳۶..... - قرن هفتم و قرن هشتم
- ۳۶..... - شکوا در شعر قرن هفتم و قرن هشتم
- ۴۱..... - شکوا در نثر قرن هفتم و قرن هشتم
- ۴۵..... - پایان قرن هشتم تا اوایل قرن دهم

- ۴۵..... - شکوا در شعر قرن هشتم تا اوایل قرن دهم..
- ۴۸..... - شکوا در نثر قرن هشتم تا اوایل قرن دهم
- ۵۰..... - قرن دهم تا میانه ی قرن دوازدهم
- ۵۱..... - شکوا در شعر قرن دهم تا میانه ی قرن دوازدهم.
- ۵۴..... - شکوا در نثر قرن دهم تا میانه ی قرن دوازدهم...
- ۵۶..... - شکوا در شعر میانه ی قرن دوازدهم تا عصر پهلوی
- ۶۰..... - شکوا در نثر میانه ی قرن دوازدهم تا عصر پهلوی
- ۶۲..... - شکوا در شعر دوره ی پهلوی تا عصر حاضر
- ۶۹..... - شکوا در نثر دوره ی پهلوی تا عصر حاضر.

فصل سوم - مثنوی و جلال الدین محمد بلخی

- ۷۶..... - زندگی نامه ی مولوی
- ۸۲..... - مثنوی و شکوا در آن

فصل چهارم - شکوهای مولوی

- ۸۹..... - شکوا از پایین بودن ظرفیت فهم مردم
- ۹۲..... - شکوا از پیمان شکنان و بی وفایان.....
- ۹۶..... - شکوا از تقلید و مقلد
- ۹۸..... - شکوا از جبر و جبریان.....
- ۱۰۰..... - شکوا از جسم و پرستندگان آن
- ۱۰۲..... - شکوا از حقیر شمارندگان اولیا و انبیا
- ۱۰۹..... - شکوا از دنیا و دنیاپرستان
- ۱۱۱..... - شکوا از دوری از حق

- ۱۱۵..... شکوا از شیطان ، شیطان پرستان و شیطان صفتان
- ۱۱۹..... شکوا از صورت پرستی و صورت پرستان
- ۱۲۳..... شکوا از عالمان روزگار و گروندگان به آنان
- ۱۲۴..... شکوا از عقل جزئی
- ۱۲۶..... شکوا از فلسفه و پیروان آن
- ۱۳۰..... شکوا از نفس و نفس پرستی و فروع آن
- ۱۴۱..... شکوا از آفات شکم و شکم پرستان
- ۱۴۳..... شکوا از حرص و انسانهای حریص
- ۱۴۷..... شکوا از حسد و حسود
- ۱۴۹..... شکوا از خودپسندی و افراد مغرور
- ۱۵۲..... شکوا از شهوت و شهوت پرستی
- ۱۵۳..... شکوا از ظلم و ظالم
- ۱۵۳..... شکوا از ولی نمایان و گروندگان به آنان

فصل پنجم - شکوای دیگران در مثنوی

- ۱۶۳..... شکوای انبیا
- ۱۶۶..... شکوای حضرت آدم (ع)
- ۱۶۶..... شکوای حضرت نوح (ع)
- ۱۶۷..... شکوای حضرت صالح (ع)
- ۱۶۸..... شکوای حضرت عمران (ع)
- ۱۶۹..... شکوای حضرت موسی (ع)
- ۱۷۱..... شکوای حضرت عیسی (ع)
- ۱۷۲..... شکوای حضرت محمد (ص)
- ۱۷۴..... شکوای اولیا

- ۱۷۷..... - شکوای اهل خانواده
- ۱۸۰..... - شکوای پیر مرد به طیب
- ۱۸۱..... - شکوای جمادات و حیوانات
- ۱۸۴..... - شکوای حارث از شیطان
- ۱۸۵..... - شکوای روح
- ۱۸۶..... - شکوای زندانیان از زندانی
- ۱۸۷..... - شکوای سالکان
- ۱۹۲..... - شکوای قاضی از سختی قضاوت
- ۱۹۳..... - شکوای قرآن
- ۱۹۳..... - شکوای کافران از انبیا و اولیا
- ۱۹۸..... - شکوای کور از کوری و زشت آوازی خود
- ۱۹۹..... - شکوای معاویه از شیطان
- ۲۰۱..... - شکوای معشوق از عاشق
- ۲۰۱..... - شکوای نفس

فصل ششم - برداشت نهایی

- ۲۰۵..... - برداشت اول
- ۲۰۵..... - موضوع شکواها در ادب فارسی
- ۲۰۶..... - هدف شکوا کننده ها
- ۲۰۶..... - آشکار و پنهان بودن شکواها
- ۲۰۷..... - دوره های خاص و انواع ادبی خاص
- ۲۰۷..... - برداشت دوم
- ۲۰۷..... - تفاوت شکواهای مولوی با دیگران
- ۲۰۸..... - زبان مولوی در این شکواها

- ۲۰۹..... هدف و موضوع شکوایهای مولوی -
- ۲۱۱..... پیشنهاد ادامه ی کار -
- ۲۱۲..... پی نوشت..... -
- ۲۲۱..... فهرست منابع -
- ۲۲۷..... چکیده ی انگلیسی -

مقدمه

شکوا یا گلایه یکی از موضوع های شعر فارسی است که به دلیل وجود آثار مستقل و پراکنده در این زمینه آن را از دیدگاه انواع ادبی نیز می توان بررسی کرد. بدیهی است گلایه به جهت احتوا بر احساسات و عواطف فردی از فروع ادب غنایی محسوب می شود. اگر نگاهی گذرا به تاریخچه ی شکوا در ادب فارسی شود، این نتیجه ی مهم حاصل می گردد که شکوا مربوط به شخص خاص و یا برهه ای خاص از زمان نیست . بلکه همواره شاعران و نویسندگان با اهداف مختلف و در موضوع های متنوعی شکوهای خود را مطرح و از قالب های مختلف ادبی و زبانی استفاده کرده اند.

مولوی به عنوان کسی که راه آشنای طریقت است کتاب مثنوی را به منظور راهنمایی سالکان در راه سلوک نوشت تا به این ترتیب سالکان با آفتهای راه و خطراتی که ممکن است دامنگیر آنها شود آشنا شوند. او در مثنوی از این موانع و عوایق سلوک با زبانی گلایه آمیز سخن گفته زیرا در اندیشه ی مولوی عوامل فریب ، تلاش می کنند که به هر طریق ممکن انسانها را بفریبند. از آنجا که آشنا شدن و شناختن این عوامل برای کسانی که می خواهند با اندیشه ی مولوی بیشتر آشنا شوند و نیز برای جویندگان راه عرفان مهم به نظر می رسد و با توجه به آنکه در ادبیات فارسی کتابها و رساله های بسیاری در باره ی مولوی و اندیشه ی او نوشته شده و در این کتابها به تشریح و تبیین زندگی و اندیشه مولوی پرداخته شده ، اما در هیچ یک از این منابع به این نوع ادبی مهم نپرداخته اند. بنابراین با در نظر گرفتن این مساله ، پژوهش ویژه ای در این موضوع ضروری به نظر رسید. در این پژوهش تلاش شده تا با بررسی گلایه های مولوی به شناخت بیشتری از او و اوضاع زمانه اش و نیز سطح فهم و اعتقاد مردم روزگار او دست یافت. از آنجا که مولوی از عوامل فریبی سخن می گوید که در تمام انسانها وجود دارد و مربوط به زمان و انسانهای خاص نیست بنابراین این قبیل گلایه های او همیشه طراوت و تازگی خود را حفظ می کنند و برای سالکان راه عشق کارآمد و مفید خواهند بود و نیز از آنجا که شکوای مولوی مربوط به بیت های محدود و یا بیت نخستین مثنوی نیست و در تمام طول مثنوی به صورت آشکار و پنهان آنرا دنبال می توان کرد بنابراین بررسی شکوا در مثنوی به منظور آشنا شدن با اندیشه ی مولوی و دریافت تمام پیکره ی مثنوی بسیار مهم به نظر می رسد. بیان این نکته در آغاز ضروری به نظر می رسد که گرچه

شکوا در زیر مجموعه ادب غنایی محسوب می شود. از آنجا که شکوهای مولوی در فراق محبوب حقیقی و موانع رسیدن به حضرت دوست است با تسامح گلایه های او از دوری محبوب و موانع رسیدن به او، در شمار شکوا به شمار آورده شد.

در این پژوهش ترتیب شکواها بر اساس شخص شکوا کننده می باشد. به همین منظور شکواها شامل دو بخش است. شکوهای مولوی و شکوهای دیگران در مثنوی. در هر دو بخش شکواها بر اساس فهرست الفبایی تنظیم شده است. این پایان نامه در شش فصل تدوین شده است: در فصل اول با عنوان طرح نامه ی پژوهش به بیان مساله ی پژوهش، پرسشها و اهداف پژوهش، فرضیات، پیشینه و روش شناسی پژوهش پرداخته شده در فصل دوم با عنوان «مفاهیم و کلیات» نخست به تعریف نوع ادبی شکوا و سپس به بررسی آن در ادب فارسی پرداخته شده است. در بخش شکوا در ادب فارسی سعی شده که پس از نگاهی کوتاه به اوضاع اجتماعی هر دوره، نمونه هایی از گلایه های برخی از شاعران و نویسندگان مربوط به آن دوره آورده شود. علت اینکه بررسی شکوا در ادب فارسی طبق عصر و دوره انتخاب شده به این دلیل است که اوضاع اجتماعی در موضوع شکواها و شدت آنها تاثیری مستقیم داشته است. در فصل سوم با عنوان «مثنوی و مولوی» نگاهی اجمالی به زندگی مولوی و جهان بینی او در مثنوی شده و همچنین درباره ی شکوا در مثنوی سخن رفته تا خواننده با مطالعه ی این بخش برای ورود به فصل سوم آمادگی و شناخت لازم را پیدا کند. در این فصل تلاش شده که زیر ساخت حکایت هایی که مولوی در مثنوی نقل کرده بر طبق شکوهای آن مشخص شود تا این نتیجه ی مهم گرفته شود که شکوهای مولوی تنها در قالب چند بیت خلاصه نمی شود بلکه او هدف نگارش بسیاری از حکایت های خود را در جهت شکایت و حکایت نی قرار داده است.

در فصل چهارم این پایان نامه با عنوان «شکواهای مولوی» گلایه های او که در موضوع های مختلفی است به ترتیب حروف الفبایی تنظیم شده است. به این شیوه که ابتدا در مورد شکوهای مولوی تحلیل شده و سپس ابیات مربوط به آن در دنباله آمده و شماره بیت نیز در سمت چپ ابیات قید شده است. در این فصل تلاش شده که در صورت امکان، در هر بخش موضوع های مرتبط با یکدیگر در کنار هم قرار بگیرند به این صورت که مثلاً در بخش تقلید و مقلد ابتدا شکوهای مربوط به تقلید آمده و سپس از مقلدان گلایه شده است.

فصل پنجم این رساله با عنوان «شکوای دیگران در مثنوی» شکوای افرادی غیر از مولوی آورده شده است. این بخش نیز طبق حروف الفبایی تدوین شده و تنها شامل شکوای انسانها نمی شود بلکه گلابیه های حیوانات و جمادات نیز در این بخش شنیده می شود.

در فصل ششم یا فصل پایانی این پایان نامه با عنوان «برداشت نهایی» سعی شده که از کل مباحث مطرح شده نتیجه گیری شود. این بخش شامل دو برداشت است. در برداشت اول از فصل اول پایان نامه نتیجه گیری شده و در برداشت دوم از فصل های بعدی پایان نامه و نیز مقایسه ای بین فصل دوم و فصل های دیگر صورت گرفته و نتیجه گیری شده است. در پایان نتیجه گیری پیشنهادهایی در ارتباط با موضوع و در راستای ادامه ی کار داده شده است. بخش دیگر این فصل مربوط به پی نوشت ها است. در این بخش تلاش شده تا به تطبیق شکوهای مثنوی با دیگر آثار مولوی از جمله غزلیات و فیه ما فیه پرداخته شود تا با ارائه ی نمونه های بیشتری از یک موضوع از یک سو اطلاعات بیشتری در اختیار خواننده گذاشته شود و از سوی دیگر خواننده به ادامه ی پژوهش و بررسی شکوا در دیگر آثار مولوی ترغیب شود.

به دلیل تازه بودن موضوع و موجود نبودن منابع مرتبط با آن، نگارنده در آغاز کار با مشکلات عدیده ای مواجه شد از جمله تشخیص درست ابیات مربوط به شکوا و نیز طبقه بندی آنها که با نظر استاد راهنمای محترم مناسب تر دیده شد که شکواها بر اساس شکوا کننده ها تنظیم شود تا به این ترتیب شکوهای مولوی بهتر نمایان شود. در اینجا لازم می بینم از استاد راهنمای گرانقدر خانم دکتر مهین پناهی که کمک شایانی در به انجام رسیدن این رساله کردند و همچنین از خانم دکتر محبوبه مباشری به منظور رهنمودهای سازنده تشکر کنم و از اینکه این دو عالم بزرگوار بر بنده منت گذاشتند و روشنایی بخش تاریکی اندیشه ام شدند، بی نهایت سپاسگزارم.

فصل اول

طرح نامه ی پژوهش

مسأله ی پژوهش

شکوی یا گلایه یکی از موضوعات شعر فارسی است که به دلیل وجود آثار مستقل و پراکنده در این زمینه می توان آنرا از دیدگاه انواع ادبی نیز بررسی کرد. بدیهی است گلایه به جهت احتوا بر احساسات و عواطف فردی از فروع ادب غنایی محسوب می شود. در زمینه ی نثر می توان به رساله ی بث الشکوا از عین القضات همدانی اشاره کرد و در زمینه ی نظم هم مخصوصا از قرن ششم به بعد قصاید و قطعات مستقلی پدید آمده است که شاعران در موضوعات گوناگونی (روزگار، اهل روزگار، کم بودن صله و موارد دیگر) به شکایت پرداخته اند.

جلال الدین محمد بلخی شاعر و عارف قرن هفتم و مهمترین اثر منظوم او مثنوی شریف است که وی در آن مسائل مهم اخلاقی، دینی، عرفانی را مطرح کرده است و به گلایه و شکایت از نبودن همزبان و حریف و دوری از عالم قرب به حق تعالی پرداخته است.

با توجه به این که نوع شکوا در مثنوی با نوع شکوهای شاعران دیگر مانند مسعود سعد سلمان و خاقانی و دیگران متفاوت است مسأله ی تحقیق در این پژوهش این است که مولوی به عنوان یک شاعر و عارف برجسته چگونه از این نوع ادبی در مثنوی بهره گرفته است؟

پرسشهای پژوهش

- ۱- مولوی در چه موضوعهایی به شکوا پرداخته است؟
- ۲- تفاوت شکوای مولوی با شکوهای رایج در شعر قرن ششم و هفتم چیست؟
- ۳- علت پرداخت مولوی به شکوا چه بوده است؟
- ۴- مولوی از چه امکانات زبانی و ادبی برای شکوهای خود استفاده کرده است؟

اهداف پژوهش

- الف) شناخت بهتر مولوی و معانی و موضوعهای مثنوی
ب) آگاهی از چگونگی استفاده ی مولوی از زبان برای بیان مطالب گلایه آمیز
ج) شناخت تفاوت های بنیادین گلایه های مولوی با شاعران دیگر

فرضیات پژوهش

- ۱) موضوعهایی که مولوی به شکوا پرداخته شامل دوری از معشوق حقیقی، عدم حضور همزبان واقعی، فهم پایین مردم برای دریافت معانی ناب عرفانی و موارد دیگر است .
۲) در قرن ششم و هفتم شاعران بیشتر به گلایه از روزگار، اهل روزگار، دشمنان و حاسدان، دوری و بی اعتنائی معشوق، عدم دریافت صله و موارد دیگر پرداخته اند. در حالیکه شکوا در مثنوی از نوعی بس متعالی تر است و شامل امور مادی و دنیوی نمی شود .
۳) وجود گوشه‌های ناشنوا و عدم تمایل مردم به مسائل معنوی و انسانی مولوی را به این گونه سخن گفتن واداشته است .
۴) از واژه هایی مانند دادخواه، دادخواهی، داد، گلایه، شکوا و مظلومه و موارد دیگر استفاده شده البته چنین به نظر می رسد که مولوی از شکوا بیشتر در ژرف ساخت مثنوی استفاده کرده و از کلمات زشت و رکیک به جهت دارا بودن بار منفی استفاده نکرده است .

پیشینه ی پژوهش

آثاری که به طور خاص به شکوا اشاره کرده اند کتابهای انواع ادبی هستند که توضیحی در مورد لفظ داده اند و به بررسی کلی و مختصر در دیوان برخی از شاعران پرداخته اند مانند انواع ادبی سیروس شمیسا و حسین رزمجو که آقای رزمجو به تفاوت انواع شکواها هم اشاره کرده است .

رزمجو، حسین. (۱۳۷۲)، *انواع ادبی و آثار آن در زبان فارسی*، چاپ دوم، مشهد: انتشارات

آستان قدس رضوی

شمیسا، سیروس. (۱۳۸۱)، *انواع ادبی*، چاپ نهم، تهران: فردوس

- کتابها و پایان نامه هایی که بر روی مثنوی کار شده شامل طبقه بندی ذیل است:

الف) کتابهایی که شامل زندگی و اندیشه ی مولوی است مانند :

جعفری، محمدتقی، *مولوی و جهان بینی ها*، چاپ سوم، تهران، بعثت

دهباشی، علی. (۱۳۸۲)، *تحفه های آن جهانی*، تهران : سخن

زرین کوب، عبدالحسین (۱۳۷۳) *پله پله تا ملاقات خدا*، چاپ ششم، تهران، انتشارات علمی

سپهسالار، فریدون احمد. (۱۳۸۵)، *رساله ی سپهسالار در مناقب حضرت خداوندگار*،

مقدمه و تصحیح محمد افشین وفایی، تهران: سخن

فروزانفر، بدیع الزمان. (۱۳۸۴)، *شرح زندگی مولوی*، چاپ سوم، تهران : تیرگان

گولپینارلی، عبدالباقی. (۱۳۷۵)، *مولانا جلال الدین*، ترجمه و توضیحات توفیق سبحانی، چاپ

سوم، تهران : پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

در این کتابها در بررسی اندیشه ی مولوی به موضوع شکوا پرداخته نشده است .

ب) کتابهایی که شامل شرح ابیات مثنوی است نه موضوع ویژه ی این پژوهش البته در بیتهایی که

مولوی شکوا داشته در برخی از شروح به آن اشاره شده است .

الانقروی، رسوخ الدین اسماعیل. (۱۳۷۴)، *شرح کبیر انقروی بر مثنوی معنوی*، مترجم

عصمت ستارزاده، چاپ دوم، تهران: زرین

زرین کوب، عبدالحسین (۱۳۷۸) *بحر در کوزه*، چاپ هشتم، تهران : علمی

_____ (۱۳۷۴) *سرنی*، چاپ ششم، تهران: علمی

_____ (۱۳۸۲) *نردبان شکسته*، تهران : سخن

زمانی، کریم. (۱۳۸۵)، شرح جامع مثنوی معنوی، ج۳، چاپ دهم، تهران: اطلاعات

ج) پایان نامه های دانشجویی: پایان نامه های بسیاری در دانشگاه های مختلف درباره ی موضوع های مثنوی انجام گرفته اما در هیچ یک به موضوع شکوا پرداخته نشده است .

روش شناسی پژوهش

این پایان نامه به شیوه ی کتابخانه ای و جمع آوری فیش ها، طبقه بندی و نتیجه گیری گردآوری شده است .

فصل دوم

مفاهیم و کلیات

تعریف شکوا و نوع ادبی شکوا

شکوا در لغت به معنای گله و شکوه، گله مندی و گله‌گزاری، نالیدن و زاریدن است. (دهخدا، ۱۳۴۹: ۵۲۸). به شعری که در آن شاعر از روزگار و احوال خود گله و شکایت کرده باشد شکوائیه می‌گویند. (انوری، ۱۳۸۱: ۴۵۵) شکوا به دلیل اشتغال بر احساسات و عواطف فردی از فروع ادب غنایی به شمار می‌آید. (شمیسا، ۱۳۸۱: ۲۵۷)

اما در کدام نوع ادبی بیشتر می‌توان شکوا را یافت؟ شاید در بادی امر چنین به نظر آید که در بعضی نوع‌های ادبی مانند مدح نمی‌توان به شکوا برخورد اما چنین نیست. به عنوان نمونه شاعری همچون سعدی، در اشعار مدحی خود به جای پرداختن به مدح‌های دروغین، وظیفه‌ی معلمی صریح و روشن بین و تهذیب‌گر را بر عهده می‌گیرد و مدح خود را به نصیحت پادشاهان اختصاص می‌دهد که می‌توان نصایح سعدی را شکوای او از رفتار پادشاهان قلمداد کرد. در انواع ادبی مانند مرثیه‌ها چه مرثیه‌های دینی و چه مرثیه‌های خانوادگی، شکوا دیده می‌شود. یک نوع ادبی که بهتر است شکوانامه نامیده شود، حبسیه‌ها هستند که شاعران در آن از بدی حال و روزگار خود می‌نالند. در عاشقانه‌ها حتماً شکوای عاشق از معشوق به دلایل مختلف مانند دوری او یا جفاهاش دیده می‌شود. در هجوها و شعرهای انتقادی و نیز طنزها حتماً شکوا وجود دارد زیرا طنز زمانی شکل می‌گیرد که ادیب از اوضاع موجود ناراحت است و در نوشته‌هایش سعی می‌کند معایب و مفاسد و ناخرسندیهایش را به صورتی زشت‌تر جلوه دهد. در شعرهایی که شاعران آنرا به انگیزه‌های وطن‌پرستی و در دفاع از وطن خود می‌سرایند شکوا در شکل گسترده دیده می‌شود مانند اشعار دوره‌ی مشروطه. همچنین در شعرهایی که بیشتر جنبه‌ی فلسفی دارد مانند اشعار خیام و برخی از اشعار حافظ، شکوای شاعران از وضع موجود و بی‌ثباتی دنیا دیده می‌شود. نکته‌ای که قابل تأمل است این است که هر نوع ادبی، شکوای خاص خود را دارد بنابراین موضوع‌های شکوا در هر کدام از این انواع با هم فرق دارد. مثلاً موضوع شکوا در سخنان عارفانه با شکوا در شعرهای وطن‌پرستی متفاوت است.

بررسی شکوا از آغاز ادب فارسی تا کنون

آنچه که باید به آن توجه شود این است که شکوا مربوط به یک قشر خاص یا فرد خاص یا سن خاصی نیست. تمام انسانها با شرایطی روبرو می شوند که طبق انتظار و خواسته ی آنها نیست و این اوضاع و شرایط ناخوشایند، زمینه های شکوا و گلایه را در آنها ایجاد می کند. شکواها در نتیجه ی شکل گیری رنجش ها به وجود می آیند و عامل ایجاد کننده ی رنجشها با هم متفاوتند. به عنوان مثال آنچه یک کودک را می رنجاند با آنچه یک فرد بالغ را می رنجاند متفاوت است. همچنین فردی که دیدگاه مادی به دنیا و زندگی دارد و گرایش های دینداری کمتری در او دیده می شود از برخی چیزها می رنجد و فردی که دیدگاههای عرفانی دارد از عوامل و شرایط دیگری رنجد. بنابراین می توان به این نتیجه رسید که شکواها، براساس شخص شکوا کننده، جنسیت، سن فرد، شغل و موقعیت اجتماعی، روحیات و خلق و خوی فرد، دینداری و بی دینی وی، توقعات و انتظارات فرد، دیدگاهها و اندیشه های فرد، وضعیت اجتماعی و سیاسی روزگار او و بسیاری عوامل دیگر متفاوت خواهد بود. از زمانی شکل گیری ادبیات فارسی تاکنون مهمترین عامل شکل دهنده ی شکواهای شاعران و نویسندگان را می توان اوضاع سیاسی و اجتماعی حاکم بر جامعه دانست. البته در این میان استثنایی نیز وجود دارد یعنی شاعران و نویسندگانی را هم می توان یافت که تحت تاثیر این اوضاع قرار نگرفته اند. اما چون وضع جامعه در موضوع شکواها تأثیر مستقیم و چشم گیری دارد به همین منظور نگاهی مختصر به تحول شکوا در دوره های مختلف تاریخی می شود تا علاوه بر رسیدن به بینشی کلی در مورد تاریخچه ی این نوع ادبی، در مورد جایگاه شکواهای مولوی در ادبیات فارسی بهتر و روشنتر صحبت شود و با این بررسی به این سوال پاسخ داده شود که جایگاه شکواهای مولوی در میان شکواهای دیگران کجاست؟ در راستای این منظور شکواها در هفت دوره تاریخی بررسی می شوند. به این صورت که پس از بیان اوضاع سیاسی و اجتماعی هر دوره، نمونه ای از شکواهای شاعران و سپس نویسندگان آن دوره ارائه می شود.

- قرن چهارم و اوایل قرن پنجم

- نیمه ی دوم قرن پنجم و قرن ششم

- قرن هفتم و قرن هشتم

- پایان قرن هشتم تا اوایل قرن دهم

- قرن دهم تا میانه ی قرن دوازدهم

- میانه ی قرن دوازدهم تا عصر پهلوی

- از عصر پهلوی تا حال حاضر

قرن چهارم و اوایل قرن پنجم

این دوره ، عهد حکومت های ایرانی در ایران است . اگرچه در اواخر قرن چهارم و اوایل قرن پنجم جای سامانیان و امارت‌های دیگر را حکومت غزنوی می گیرد. ولی چون غزنویان سنت سامانیان را تعقیب می کردند نمی توان نتایجی را که با تمدن ایرانی آن عهد مغایرت داشته باشد از تسلط آنها گرفت . (صفا ، ۱۳۸۰: ۱۹۷)

شکوا در شعر قرن چهارم و اوایل قرن پنجم

در مورد زندگی و امرار معاش شاعران این دوره این نتیجه گرفته می شود که «زندگانی مرفه غالب گویندگان این عصر و معاشرت با امرا و وزراء و رجال و ثروتمندان و خوشگذرانی های آنان در مجالس پرشکوه وسیله ی بزرگی شده است برای آنکه در شعر این عهد همواره صحبت از کامرانیها و عیشها و عشرتها شود و کمتر از ناکامی و نامرادی و یاس و بدبینی و انزوا و انقطاع از خلق و نظایر این مسائل در آن سخن رود . ازین جاست که خواننده با قرائت اشعار این عهد از حالتی مقرون به نشاط بیشتر بهره می برد تا از یک رخوت و خلسه که نتیجه ی خواندن اشعار خیال انگیز یا غم آور است و حتی در مواردی که سخن از بی وفایی جهان و نامرادی آدمیان رود نیز شاعران نتایج مثبت از سخنان خود می گیرند.» (همان : ۳۶۵) نکته ای که در میان گویندگان این دوره بسیار قابل توجه است سخن صادقانه و بی ریای آنهاست که باعث شد تا در شعر گویندگان این دوره شورها و هیجانهای واقعی مجال بیان بیابد و عشق و احوال آن از ناز و عتاب و خشم و شکایت و قهر و آشتی چنانکه هست خود را منعکس کند . (زرین کوب ، ۱۳۷۵: ۲۲۲)

از شاعران این دوره می توان به جعفر بن محمد رودکی (وفات ۳۲۹ ه . ق) اشاره کرد که در روزگار جوانی، زندگی خوب و راحتی داشته اما در اواخر عمر به فقر و پیری دچار می شود و از پیری خود شکوا می کند .

مرا بسود و فروریخت هر چه دندان بود	نبود دندان لا بل چراغ تابان بود
سپید سیم رده بود و در و مرجان بود	ستاره ی سحری بود و قطره باران بود
همی چه دانی ای ماه روی مشکین موی	که حال بنده از این پیش بر چه سامان بود

(رودکی ، ۱۳۷۴: ۳۷)

یا از دنیا شکایت می کند و می گوید که چقدر زود همه چیز و همه ی دل بستگی ها به مقامات و به ثروت و به قدرت نابود می شود. این دنیا ناخوشی ها را به دنبال خوشی می آورد .

این جهان پاک خواب کردار است	آن شناسد که دلش بیدار است
نیکی او به جایگاه بد است	شادی او به جای تیمار است
چه نشینی بدین جهان هموار	که همه کار او نه هموار است
دانش او نه خوب و چهرش خوب	زشت کردار و خوب دیدار است

(همان ، ۱۸)

علی بن جلولوغ فرخی سیستانی (وفات ۴۲۹ هـ . ق) شاعر شاد و خوشگذرانی است که جنبه ی شاد طبع ایرانی در شعر او به خوبی بازتاب می یابد . در دیوان او اگر نارضایتی و گله ای هم باشد از جفاهای معشوق است .

..گفتم ز بهر بوسه جهانی دگر مخواه	گفتا بهشت را نتوان یافت رایگان
گفتم نهان شوی تو چرا از من ای پری ؟	گفتا پری همیشه بود ز آدمی نهان
گفتم تو را همی نتوان دید ماه ماه	گفتا که ماه را نتوان دید هر زمان ..

(فرخی ، ۱۳۸۰: ۲۷۱)

ای دوستی نموده و پیوسته دشمنی	در شرط ما نبود که با من تو این کنی
دل پیش من نهادی و بفریفتی	مرا آگه نبوده ام که همی دانه افکنی
پنداشتم همی که دل از دوستی دهی	بر تو گمان که برد که تو دشمن منی
دل دادن تو از پی آن بود تا مرا	اندر فریبی و دلم از جای برکنی
کشتی مرا به دوستی و کس نکشته بود	زین زارتر کسی را هرگز به دشمنی

(همان ، ۴۴۱)